نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی سال چهاردهم، شماره ۳۲، بهار ۹۳

بازتاب های جهانی‌شدن سیاسی بر سازمان همکاری شانگهای

دریافت مقاله:۹۱/۱۰/۱۱ پذیرش نهایی: ۹۲/۱۱/۹
صفحات:۲۲۹-۲۰۵

مرجان بدیعی ازنداهی: استادیارجغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران[۱]
Email: mbadiee@u.ac.ir
مجید شریفی رضوی: کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران
Email: Majidsharifi64@yahoo.com
فاطمه سادات میراحمدی: دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران
Email: smirahmadi@ut.ac.ir

چکیده

پدیده یا فرایند جهانی‌شدن بیانگر نوعی پراکنش کروی کالا، اندیشه و ... است که اثرات متعددی بر شاخص‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورها دارد. جهانی‌شدن دربعد سیاسی از ویژگهای متعددی برخوردار است مانند فرسایش حاکمیت‌های ملی، شدت‌گیری روندهای منطقه‌گرایی و ورود بازیگران جدید در عرصه تصمیم‌سازی سیاسی در سطح ملی و فراملی. سازمان‌های منطقه‌ای از جمله بازیگران جدید در صحنه بین‌الملل هستند که در نیمه دوم قرن بیستم در طی روند منطقه‌گرایی که با جهانی‌شدن همزمان بوده است به سرعت در مناطق جغرافیایی جهان گسترش یافته‌اند. یکی از بزرگترین سازمان‌های منطقه‌ای درجهان به لحاظ وسعت و جمعیت، «سازمان همکاری شانگهای» می‌باشد که در سال ۲۰۰۱ تأسیس شده است. تحقیق حاضر با روش توصیفی – تحلیلی و با استفاده از رویکرد اثبات‌گرایانه به بررسی و تحلیل چگونگی تاثیرات جهانی‌شدن سیاسی بر این سازمان می‌پردازد. نتایج این نوشتار نشان می‌دهد دو مولفه در ارتقای تاثیرپذیری «سازمان همکاری شانگهای» از «جهانی شدن سیاسی»نقش داشته‌اند: اول، ملاحظات نظامی- امنیتی و اهداف سیاسی بنیان‌گذاران سازمان؛ دوم، تاثیر پذیری کشورهای آسیای مرکزی عضو سازمان از مسائلی همچون افراط‌گرایی مذهبی، تجزیه طلبی و تروریسم.

کلید واژگان: جهانی‌شدن، جهانی‌شدن سیاسی، منطقه گرایی، سازمانهای منطقه ای، سازمان همکاری شانگهای

---

[۱]. **نویسنده مسئول:** تهران، خیابان وصال شیرازی،کوچه آذین،دانشکده جغرافیا، ساختمان شماره یک،طبقه سوم، اتاق ۳۰۸

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-09]

مقدمه

«جهانی شدن» بیانگر نوعی پراکنش کروی (کالا، اندیشه و ...) است(Salzano,2003: 45) و پدیده‌ای چند بعدی بشمار می رودکه قابل سرایت به عرصه های مختلف است و اثرات متعددی بر روی ابعاد و شاخص های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشورها دارد. پدیده ها و فرایندهای متعددی در جهت توقف و یا تسریع جهانی شدن دخالت دارند که از جمله آنها می توان به «منطقه‌گرایی» اشاره نمود. به بیان دیگر، منطقه‌گرایی گاه به عنوان مانعی در برابر جهانی‌شدن و گاه نیز به عنوان هدایت‌گر فرایند جهانی‌شدن محسوب می‌گردد. روند «منطقه‌گرایی» که از دهه ۱۹۷۰ برای رهایی از توسعه نیافتگی به خصوص در کشورهای جهان سوم مطرح شد، از دهه ۱۹۹۰ همراه با جهانی‌شدن به عنوان پدیده‌ای تاثیرگذار بر همه کشورها قلمداد گردید. منطقه‌گرایی جدید دارای نمودها و جلوه‌های متعددی است مانند «سازمان‌های منطقه‌ای». از آنجا که این سازمان‌ها در محدوده‌ای جغرافیایی به نام «*منطقه*» قرار دارند و متشکل از واحدهای سیاسی مستقل هستند، بوسیله جغرافیدانان سیاسی مورد مطالعه قرار می‌گیرند. «سازمان‌های منطقه ای» در نیمه دوم قرن بیستم به عنوان بازیگران جدید نظام بین‌الملل پا به عرصه گذاشتند و به عنوان یکی از ابزارهای «همگرایی منطقه‌ای» در مناطق گوناگون جغرافیایی با ماهیت و کارکرد اقتصادی، سیاسی و نظامی ایجاد شده و به تدریج توسعه و رشد یافتند. به عنوان مثال در دوره جنگ سرد، جنبه ژئواستراتژیک در ایجاد سازمان‌هایی چون ناتو، سنتو و ورشو غلبه داشت؛ در حالی که در ایجاد سازمان‌هایی چون اتحادیه اروپا و اکو، جنبه اقتصادی و ژئواکونومیک غالب بوده است.

درمیان سازمان‌های منطقه‌ای، «سازمان همکاری شانگهای» از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. درابتدا، کشورهای «گروه شانگهای پنج» شامل چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان در ۱۹۹۶ در شانگهای چین اجلاسی را با هدف گسترش روابط برگزارکردند. سپس در ژوئن ۲۰۰۱ با پیوستن ازبکستان به کشورهای این گروه، «سازمان همکاری شانگهای» شکل گرفت. مغولستان در سال ۲۰۰۴ و ایران، پاکستان و هند در سال ۲۰۰۵ به عضویت ناظر این سازمان پذیرفته شدند. از جمله اهداف این سازمان تحدید نفوذ امریکا در اروآسیا، مقابله با یک جانبه گرایی آمریکا و گسترش نفوذ استراتژیک آن در منطقه، تامین انرژی و یافتن بازارهای اقتصادی جدید و مقابله با تروریسم می‌باشد. در عصر حاضر با توجه به تاثیرات روزافزون «جهانی‌شدن سیاسی» بر ابعاد گوناگون منطقه‌گرایی و نیز بر سازمان‌های منطقه‌ای، شاهد تاثیرات فزاینده آن بر ابعاد مختلف زندگی انسان هستیم؛ به گونه‌ای که زندگی مردم درکشورهای عضو سازمانهای منطقه‌ای مانند «سازمان همکاری شانگهای» تحت تاثیر این

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-09]

روندها و فرایندها قرار می‌گیرد. شناسایی تاثیرات «جهانی‌شدن سیاسی» بر سازمانهای منطقه-ای همچون سازمان همکاری شانگهای برای جمهوری اسلامی ایران به عنوان «عضو ناظر» دارای این اهمیت است که نه تنها بتواند جایگاه آینده خود را در این سازمان بهبود بخشد و یا از این طریق در درون سازمان های دیگر قرار گیرد، بلکه بتواند روابط خارجی خود را توسعه دهد. این نوشتار به این می پردازد «جهانی‌شدن سیاسی» چگونه بر«سازمان همکاری شانگهای» بازتاب یافته است و آن را تحت تاثیر قرار داده است.

پرسش و فرضیه تحقیق

این مقاله به این سؤال می‌پردازد چگونه «جهانی شدن سیاسی» بر یک سازمان منطقه ای مانند «سازمان همکاری شانگهای» تاثیر می‌گذارد. بر اساس پیش فرض اولیه، به نظر می‌رسد مسائلی مانند تروریسم، ملاحظات امنیتی-سیاسی بعنوان شاخص‌های جهانی شدن سیاسی بازتاب های خود را بر سازمان همکاری شانگهای گذارده‌اند.

روش تحقیق

این تحقیق از نوع تحقیقات کاربردی است که با روش توصیفی- تحلیلی و با بهره گیری ازرویکرد اثبات گرایی صورت گرفته است.گردآوری اطلاعات، ازطریق کتابخانه‌ای و جستجوی رایانه‌ای بوده و تحلیل مطالب نیز به صورت کیفی و در مواردی به شکل کمی(با استفاده از آمارهای مربوط به شاخص های جهانی‌شدن) انجام شده است. در این راستا درمرحله نخست، داده‌ها از آمارهای مربوط به موسسات AT.Kearney و KOF استخراج شده‌اند؛ و در مرحله بعد، اقدام به تهیه جداول و نمودارها با استفاده از نرم‌افزار EXCEL، متناسب با اهداف تحقیق شده؛ و سرانجام در مرحله نهایی، تحلیل صورت گرفته است.

ادبیات نظری تحقیق

الف- جهانی شدن سیاسی و رویکردهای نظری درباره آن

جهانی شدن : واژه «جهانی شدن» برای اولین بار در سال ۱۹۶۱ به فرهنگ وبستر راه یافت که بر بازشناسی آشکار اهمیت پیوند ها و ارتباطات جهان گستر دلالت داشت (Kilminster,1998,p93) اما خیزش امواج جهانی شدن به دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ و به ویژه پس از جنگ سرد بازمی گردد. در دهه ۱۹۹۰ پس از فروپاشی سوسیالیسم دولتی و تحکیم سرمایه داری در سراسردنیا، آگاهی عمومی نسبت به جهانی شدن بشدت افزایش یافت. اما با وجود اهمیت فزاینده ای که مسئلهٔ جهانی شدن در حوزه های مختلف یافته است؛ هنوز تعریف گویا

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-09]

و واضحی که بتواند تمام زوایا و جنبه‌های این پدیده را بازگو کند وجود ندارد؛ اختلاف‌نظرهای کلان دربارهٔ جهانی‌شدن، بطور کلی به غایتمندی، مبدأ، مقصد، چارچوب‌ها، زمینه ها، پیش فرض‌ها، نقش و علل جهانی‌شدن باز می‌گردد(آشناگر، ۱۳۸۸: ۶). به همین دلیل است که ایان کلارک می‌گوید نمی‌توان معنای مشخصی برای جهانی‌شدن درنظر گرفت (Clark,1999:34). کلاوس دادس، همگام با نظر برخی صاحب نظران امور سیاسی معتقد است جهانی‌شدن نمایانگر دنیایی است که در آن حاکمیت دولت و مسائل داخلی کشورها به وسیله جریانات برون‌مرزی، افراد، ایده‌ها و اقتصاد مالی به خطر افتاده یا شدیداً تضعیف می‌شود(دادس،۱۳۸۴: ۶۳). جونز و دیگران بر این باور هستند که اهمیت کلیدی فرایند جهانی‌شدن وجود رفتار، قوانین و سازمانهایی است که فعالیتهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در مقیاس جغرافیایی فراتر از دولت- ملت‌ها را قاعده‌مند ساخته و سازماندهی می‌کند(جونز وهمکاران،۱۳۸۶: ۹۳). در مجموع، می‌توان گفت جهانی شدن در اکثر تعاریف دارای دو خصوصیت مشترک یعنی «پیوند بیشتر» از یک‌سو و «غیر سرزمینی شدن» از دیگرسو است(Waters, 2001:136). جهانی‌شدن دارای ویژگی های متعدد و متنوعی است مانند: حاکم شدن تمدن الکترونیک در جهان، رشد تفکر جهانی، نظم دهی مجدد زمان و مکان، تشدید روابط بین‌الملل و باز شدن مرزها (دعایی و عالی ،۱۳۸۴: ۱۴)، رشد فزاینده درهم‌تنیدگی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جوامع، رشد بی سابقه تجارت بین‌المللی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، حذف موانع تجارت آزاد بین‌المللی، گردش مستمر سرمایه مالی بین مرزهای بین‌المللی، و جهانگیر شدن نظام سرمایه‌داری(زمانی،۱۳۸۴: ۱۷). در پی چنین ویژگی هایی، جهانی شدن درابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی رشد یافت. در بعد سیاسی، عوامل متعددی در رشد این فرایند نقش داشته اند که به دهه های ۸۰ و ۹۰ میلادی باز می‌گردد. ظهور بازیگران جدید در صحنه بین‌المللی مانند سازمان‌های غیردولتی، شرکت‌های فراملی یا چندملیتی؛ پیشرفت‌های تکنولوژیک و موفقیت پیمان‌های منطقه‌ای مانند جامعه اقتصادی اروپا، افتا، آسه آن، نفتا، مرکوسور و شانگهای که مفاهیم سنتی فضا، جغرافیا و مرز ملی را دگرگون کرده و موجب کاهش تاثیر و نفوذ دولت-ملت به عنوان یگانه بازیگر روابط بین‌الملل بوده اند؛ در زمینه سازی برای جهانی‌شدن سیاست مداخله داشته‌اند(محمودوند، ۱۳۸۵: ۲۵-۲۴). در کل، مقصود از «جهانی‌شدن سیاسی» این است که مسائل و مباحثی که قبلا در حوزه داخلی و حیطه حاکمیت دولت‌ها نقش داشته اند با گذشت زمان ابعادجهانی بیشتری پیدا می‌کنند(اخوان زنجانی،۱۳۸۶: ۹۳). شاخصه‌های مهم جهانی شدن سیاسی عبارتنداز: کمرنگ شدن حاکمیت و کمرنگ شدن مفهوم دولت-ملت؛ کم‌رنگ شدن مرزهای سیاسی، تقویت هویت‌خواهی‌های

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-09]

قومی؛(پیشگاهی فرد،۱۳۸۶: ۷۹-۸۰)، تشدید روند منطقه‌گرایی با دو هدف متناقض یعنی تمرین جهانی‌شدن در سطحی خرد و ایجاد حریم‌های حمایتی در مقابل موج تجارت جهانی در سطحی کلان؛ ورود بازیگران جدید در عرصه تصمیم‌سازی سیاسی در سطح ملی و جهانی همچون نهادهای مدنی(مانند انجمن‌های دفاع ازمحیط زیست وحقوق زنان)وگروه‌های سیاسی (مانند القاعده).

اما به نظر می‌رسد علت کندتر بودن شتاب «جهانی‌شدن سیاسی» از دیگر ابعاد آن را باید در ماهیت دولت ملی و نظام مرکب از دولت- ملت‌ها جستجو نمود(اخوان زنجانی ،۱۳۸۶: ۹۳، وثوقی و کمائی زاده،۱۳۸۸: ۲۷). هرچند مرزهای ملی و سیاسی کشورها در فرایند جهانی‌شدن بسیار کمرنگ و سیال شده اما هنوز پدیده دولت-ملت که یادگار کنگره وستفالی در قرن هفده است، با صلابت در جای خود ایستاده است(کاظمی،۱۳۸۰: ۱۹۱). در واقع، دولت‌ها معماران روند جهانی‌شدن بوده اند و تشکیل کشورهای جدا از هم یکی از ابعاد جهانی‌شدن به حساب می آید(بیلیس،۱۳۸۳: ۱۳۸۳).

نظریات جغرافیایی معاصر درباره جهانی‌شدن و منطقه گرایی: سه نظریه جغرافیایی معاصر درباره جهانی‌شدن وجود دارد. نخست -«جهان گرایان»، که معتقدند عصر نوینی از تاریخ پیش روی ما قرار دارد که کاملاً بی‌سابقه است و حکومت سرزمینی برای مدیریت بشر اساساً از بین رفته است(حیدری فر، ۱۳۸۹: ۱۳۰). آن ها مبتنی برنظریه نظم نوین جهانی، آرایش جدید پهنه سیاسی جهان را فرایندی متاثر از کاهش اقتدار حاکمیت های مدرن، بی‌معنا شدن مرزهای جغرافیایی، شکل گیری سازمان های سیاسی بین المللی و گروه های غیردولتی می‌دانند(جوان و عبداللهی، ۱۳۸۵: ۷۸). همچنین معتقدند منطقه‌گرایی نه تنها مانعی برای جهانی‌شدن سیاسی نبوده بلکه عنصر تشکیل‌دهنده آن می‌باشد. دوم- «شکاکان»، که حتی وجود جهانی‌شدن را زیر سوال می‌برند و در نقطه مقابل عقایدی هستند که جهانی‌شدن را جبری می‌دانند. از منظر «شکاکان»، حکومت‌های ملی همچنان بازیگران اصلی صحنه اقتصادجهانی هستند و سایر بازیگران بر شرایط اقتصادی و سیاسی جهانی تسلط دارند ولی فقط در چارچوبی که دولت‌ها، آن را تعیین می‌کنند(هلد و مک گرو، ۱۳۸۲ص۲۳-۱۹). «شکاکان» برخلاف دیدگاه‌هایی که به منطقه‌گرایی به عنوان پیش‌مقدمه جهانی‌شدن می‌نگرند بر فرایند منطقه گرایی تاکید می‌کنند. عمده‌ترین دستاورد جغرافیایی «شکاکان»، منزوی‌تر کردن اقتصادهای حاشیه‌ای و سخت‌کردن شرایط رقابت برای اقتصاد های نیمه حاشیه‌ای است (مورای،۱۳۸۸: ۶۰-۶۵). سوم- «تحول‌گرایان» که در مقابل دو دیدگاه افراطی بالا قرار می‌گیرند. « تحول گرایان» معتقدند جهانی‌شدن به معنای اضمحلال حکومت‌ها نیست، بلکه کارکردهای جدیدی

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-09]

به آنها می‌دهد(میرحیدر و حیدری فر، ۱۳۸۵: ۱۵). دانشمندان این گروه معتقدند جهانی‌شدن یک واقعیت است و درحال بازسازی بنیادی ساختارهای جامعه است. از نظرجغرافیایی موقعیت جهانگرایی، مدل سنتی«مرکز/پیرامون»، تقسیم‌بندی «شمال/جنوب» و مدل«توسعه‌یافته/ در حال توسعه» را منسوخ می‌سازد. مهمترین تاثیر مکانی «دیدگاه تحول‌گرایانه» این است که نظام سرمایه داری جهانی، ناهمگونی فزآینده را تثبیت و تشدید می‌کند(مورای، ۱۳۸۸: ۶۰-۶۵). این سه نظریه در سه مورد یعنی تعریف، بستر زمانی و دستاوردها با هم اختلاف‌نظر دارند. «جهانگرایان» و «شکاکان»، جهانی‌شدن را به صورت پدیده‌ای متشکل از یک حالت غایی مشخص تعریف می‌کنند. درحالی که «تحول‌گرایان»، جهانی‌شدن را فرایندی تاریخی می‌دانند که نه فرهنگ و نه اقتصاد به تنهایی نقش تعیین کننده‌ای در آن ایفا نمی‌کنند. در مورد زمان شکل‌گیری نیز، برخی «جهانی‌شدن» را پدیده‌ای جدید و مربوط به دهه ۱۹۷۰ می‌دانند، برخی آن را پدیده‌ای قرن بیستمی و برخی نیز آن را همزمان با اولین مهاجرت انسان‌ها فرض می‌کنند. در مورد دستاوردها نیز مکتب اول، جهانی‌شدن را سرآغاز تضعیف دولت‌های ملی می‌داند. مکتب فکری دوم، بیشتر جهت‌گیری جبری دارد و معتقد است قدرت حکومت ملی به مرور با ضروریات جهانی‌شدن سازگار می‌شود. مکتب سوم، نیز با رویکردی در جغرافیای انسانی سازگار است که مبنای آن تاثیرگذاری مشترک مناطق جهانی و بومی است(همان: ۶۸).

به نظر می‌رسد، شاهد نوعی تعامل میان جهانی‌شدن ومنطقه گرایی هستیم. بدین ترتیب که جهانی‌شدن از دو جهت موجب افزایش روند منطقه‌گرایی می‌شود. از یک سو، جهانی‌شدن موجب افزایش آسیب‌پذیری کشورها می‌شود و این امر، خود باعث رشد همگرایی‌ها و ائتلاف‌های منطقه‌ای می‌گردد زیرا کشورها خواسته‌های خود را در قالب سازمان‌های منطقه‌ای بیان می‌کنند. به بیان دیگر، با فرسایش حاکمیت ملی کشورها در عصر جهانی‌شدن، منطقه‌گرایی ضریب آسیب‌پذیری امنیتی هر یک از اعضاء را در برابر تهدیدات بیرونی از جمله تهدیدات قدرت‌های جهانی و فرامنطقه‌ای کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، جهانی‌شدن باعث افزایش نفوذ به داخل کشورها و موجب تضعیف دولت‌ها می شود به طوری که دولت‌ها ترجیح می‌دهند به منظور کاهش انزوای خود، در تشکل‌های منطقه‌ای حضور یابند تا به اهداف خود در قالب مجموعه‌ای از کشورها دست یابند. بنابراین جهانی‌شدن به افزایش روند منطقه‌گرایی و سازمان‌های منطقه‌ای انجامیده است.

ازطرف دیگر، منطقه گرایی نیزروند جهانی شدن را تحت تاثیر قرار می‌دهد(موسوی، ۱۳۸۸: ۱۲۹). سازمان های منطقه‌ای توانسته‌اند هم به تقویت فرایند جهانی‌شدن کمک کنند و هم موجب شده اند تا درون این فرایند، جریان معکوسی ایجاد شود و جهانی‌شدن را تضعیف کند.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-09]

سازمانهای منطقه‌ای از دو جهت به جهانی‌شدن کمک می کنند: نخست،گاهی نیازاست سازمان‌های منطقه‌ای، به جای سازمان جهانی عمل کنند، زیرا دارای منابع کمی می‌باشند. نیزکشورها می توانند مشکلات منطقه‌ای رادرمنطقه حل کنند؛ دوم، مناطق باعث حضورموثرکشورهای عضو درسازمانهای بین‌المللی جهانی می‌شوند. بنابراین، سازمان های منطقه‌ای در امر جهانی‌شدن تسریع ایجاد می‌کنند(تیلور،۱۳۸۶: ۲۷). (شکل ۱)



شکل (۱) تعامل میان جهانی شدن ومنطقه گرایی

در کل باید گفت، گرچه ظهور دو پدیده جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی با نوعی همزمانی همراه است اما این مساله به معنای وجود رابطه علی میان آنها نیست. «منطقه‌گرایی» نوعی جریان سیاسی با مدیریت دولت-ملت‌ها جهت تعدیل و جهت‌دهی به فرایند جهانی‌شدن است. در واقع حرکتی است که با هدایت روند بین‌المللی‌شدن اقتصاد به دنبال تامین و تحقق اهداف سیاسی دولت‌ها می‌باشد. فرایند منطقه‌گرایی ممکن است در برخی موارد توسط مؤسسات اقتصادی خصوصی مدیریت و هدایت شود، اما دولت‌ها با توسل به نهادهای بین‌المللی اقتصادی درصدد تامین منافع خاص خود می‌باشند. به طوری که می‌توانند از طریق مکانیسم‌های مختلف که فرایند منطقه‌گرایی با استفاده از اتحادیه‌های اقتصادی به آنها می‌دهند، دامنه کنترل خود بر فرایند جهانی‌شدن اقتصادی را افزایش دهند(ساعی،۱۳۸۵: ۹۰).

ب- سازمانهای منطقه‌ای : بازیگران نوظهور در نظام بین‌الملل

واژه یا اصطلاح «منطقه» در جغرافیای سیاسی به گونه تصادفی استفاده نمی‌شود و به یک فضای جغرافیایی که از پدیده‌های مشابه تشکیل دهنده آن محیط برخوردار باشد، هم از نظر محیط فیزیکی و هم از دید محیط انسانی، «منطقه» گفته می‌شود. منطقه‌گرایی آشکارا با عصر

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-09]

جهانی‌شدن و چندقطبی‌شدن مشخص شده است. با گسترش جهانی‌شدن‌ها در دوران پست‌مدرن، منطقه‌گرایی از دهه ۱۹۹۰ در جهان سیاسی تشویق گردید (مجتهدزاده ،۱۳۸۱: ۲۰۴و۱۹۶). منطقه‌گرایی، روندی جامع و چندسطحی است که اقتصاد، تجارت، مسائل مالی، محیط زیست، سیاست اجتماعی، امنیت و سیاست را دربرمی‌گیرد(یانگ و سایرین،۱۳۸۶: ۱۲). نکته قابل توجه در منطقه‌گرایی این است که ضرورت‌های مشترک درسطح یک منطقه جغرافیایی به پیدایش فرایند همگرایی و یکپارچگی کمک کرده است و دولت‌ها از بخشی از اقتدار و حاکمیت خود چشم پوشیده و آن را به مدیریت منطقه‌ای تفویض می‌کنند(حافظ نیا و کاویانی راد،۱۳۸۳: ۶۰).

از جمله نمودهای بارز منطقه‌گرایی نوین«سازمان‌های منطقه‌ای» می‌باشند. تلاش برای ایجاد سازمان منطقه‌ای می‌تواند به عنوان نماد و شاخص اصلی انگیزه های منطقه‌گرایی محسوب شود(ستوده، ۱۳۸۷، ص۱۰۲). «جغرافیا» برای تعریف یک سازمان منطقه‌ای ضرورت محوری به شمار می‌رود چرا که یکی از شرط‌های ورود به سازمان‌های منطقه‌ای، همجواری است(لیک و مورگان،۱۳۸۱: ۸۱). «سازمان منطقه‌ای» در اصل متشکل از چند کشور مجاورهم است که بر اساس حقوق متقابل و برابری دولت‌ها و به منظور دستیابی به اهداف مشخصی به وجود آمده‌اند و به طور رسمی نهادی را تشکیل داده‌اند که وظایف و اختیاراتی دارد و به نیابت از دولت‌ها و بر اساس اختیارات تفویضی می‌کوشد اهداف مشترک آنها را تامین کند. «سازمان‌های منطقه‌ای» اندازه یکسانی ندارند و وزن آنها تابعی از قلمرو جغرافیایی و ارزش‌های هویت‌ساز منطقه است. هر اندازه ارزش‌های هویت‌ساز منطقه گسترده باشد، قلمرو آن وسیع‌تر بوده و اندازه آن به لحاظ خصیصه‌های ساختاری نظیر وسعت، منابع، جمعیت، سرمایه، فناوری، تولید ناخالص، نیروی انسانی، حجم روابط و نظایر آن بیشتر خواهد بود. یعنی «وزن ژئوپلتیکی» آن بیشتر است. به عبارتی سازمان‌های بزرگ‌تر و برخوردار از وزن بیشتر، قدرت تاثیرگذاری بیشتری بر نظام جهانی دارند.

«سازمان‌های منطقه‌ای» انواع متفاوتی دارند. مثلا می‌توان سازمان‌های منطقه‌ای را بر اساس کارکرد به چهارگروه یعنی فرهنگی-ایدئولوژیکی مانند اتحادیه عرب؛ سیاسی مانند سازمان کشورهای امریکایی؛ اقتصادی مانند اتحادیه اروپا و آسه آن و سازمان تجارت جهانی و امنیتی مانند ناتو طبقه‌بندی نمود. همچنین از لحاظ اهداف، سازمان‌های منطقه‌ای را به چهار دسته تقسیم می‌کنند: سازمان‌های دارای اهداف چندگانه مثل آسه‌آن، نفتا و سازمان وحدت آفریقا؛ سازمان‌های ائتلافی نظیر ناتو، ورشو و آنزوس؛ سازمان‌های کارکردی نظیر اوپک و بنلوکس؛ کمیسیون‌های منطقه‌ای مانند کمیسیون اقتصادی اروپا و کمیسیون اقتصادی آفریقا (قوام،

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-09]

۱۳۸۲ : ۱۲۳-۱۱۸). از اوایل دهه ۱۹۹۰، ترتیبات منطقه‌ای به ویژه در کشورهای درحال توسعه رشد بی‌سابقه‌ای داشته است. آن چه مشخص است این که در حال حاضر، «مناطق» یکی از ویژگی‌های مهم سیاست بین‌الملل به شمار می‌روند. هر چند که به نظر می‌رسد نقش و اهمیت روابط و مناسبات جهانی از نظر اهمیت عملی کاهش یافته اما اهمیت مناسبات منطقه‌ای افزایش یافته است. تحولات کنونی جهان معاصر بر اهمیت همکاری کشورهای مختلف افزوده است. در چنین شرایطی، سازمان‌های منطقه‌ای نقش برجسته‌ای می‌یابند (عزتی و یزدان پناه،۱۳۸۷: ۵۷). در واقع، شرایط و مقتضیات جامعه بین‌المللی در عصر حاضر و لزوم گسترش همکاری‌ها بسیاری از کشورها را برآن داشته تا از طریق عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای به دنبال کسب منافع ملی خود باشند. در دهه‌های قبل روابط و همکاری کشورها با یکدیگر بیشتر از طریق روابط دوجانبه تنظیم می‌شد اما امروزه با تحولات شگرف اخیر در عرصه بین‌المللی و گسترش روزافزون منطقه‌گرایی، اولویت اصلی جهت همکاری و تعامل، ایجاد سازمان‌های منطقه‌ای است (شریفی ،۱۳۸۹ :۸۹). بنابراین، به نظر می‌رسد این سازمان‌ها درآینده قادر خواهند بود نقش بیشتری در شکل‌گیری فرایندهای همگرایی اقتصادی، سیاسی و امنیتی در مقیاس‌های جغرافیایی ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا نمایند.

نتیجه اینکه، امروزه یکی از ابزارهای همگرایی منطقه‌ای، «سازمان‌های منطقه‌ای» می‌باشند که با اهداف و کارکردهای گوناگونی به وجود می‌آیند و یکی از بازیگران اصلی صحنه بین‌الملل محسوب می‌شوند. با توجه به تحولات اخیر در صحنه بین‌الملل، حکومت‌ها نیز همچون گذشته به تنهایی قادر به تامین امنیت و رسیدن به اهداف خود نیستند، ازاین رو نمی‌توانند از مناسبات منطقه ای جدا بمانند.

سازمان همکاری شانگهای[1] نمونه یک سازمان منطقه ای

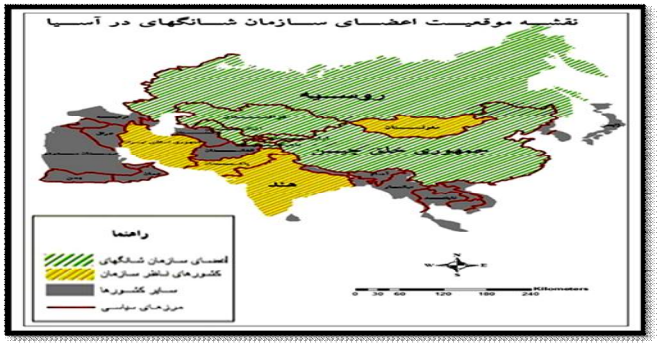
تاریخچه شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای به مذاکرات مرزی چین و شوروی سابق در اوایل دهه ۱۹۹۰ بازمی‌گردد. مقدمه شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای را باید در«گروه شانگهای پنج»[2] جستجو کرد، که با ابتکار چین به وجود آمد. تشکیل این گروه که در تاریخ ۲۶ آوریل ۱۹۹۶ صورت گرفت، در استمرار روند عادی سازی روابط چین و روسیه بود. از آنجا که سران کشورهای روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان در شانگهای چین گردهم آمده بودند، این گردهمایی، «شانگهای پنج» نامیده شد(طالبی فر و جعفری پاسکیبایی،۱۳۸۷:

[1]. Shanghai Cooperation Organization(SCO)
[2]. Shanghai-5Group

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-09]

۶۲). در ششمین اجلاس سران در ژوئن ۲۰۰۱ در شانگهای، ازبکستان رسماً به این گروه پیوست و گروه شانگهای پنج، به یک نهاد چندجانبه منطقه‌ای با شش عضو تبدیل شد و اجلاسیه به عنوان«اولین اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای» نام گرفت(قاضی زاده و طالبی فر،۱۳۸۸: ۸۶). در همین سال«سازمان همکاری شانگهای» با مشارکت دو ابرقدرت چین و روسیه و چهار کشور قرقیزستان، قزاقستان، ازبکستان و تاجیکستان به عنوان یک سازمان منطقه‌ای با هدف تقویت اعتماد متقابل بین کشورهای عضو، ارتقای روابط حسن همجواری و مناسبات دوستانه بین کشورهای عضو، تشویق همکاری‌های موثر در زمینه‌های سیاسی، تجاری، اقتصادی، علمی، فناوری، فرهنگی، آموزشی، انرژی، حمل و نقل، محیط زیست و سایر موارد بین کشورهای عضو، تلاش مشترک کشورهای عضو جهت حفظ صلح و ثبات در منطقه در جهت ایجاد نظم سیاسی و اقتصادی جدید مبتنی بر دموکراسی، انصاف و عقلانیت تاسیس شد و در مدت پنج سال کشورهای مغولستان، پاکستان، هند و ایران به عنوان عضو ناظر پذیرفته شدند. در زیر به ابعاد گوناگون این سازمان پرداخته می شود:

بعد جغرافیایی- فضایی: از بعد جغرافیایی – فضایی، قلمرو «سازمان همکاری شانگهای» به گونه‌ای است که دربرگیرنده منطقه های آسیای شرقی (یعنی چین)، آسیای‌مرکزی(شامل چهار کشور ازبکستان، قزاقستان، تاجیکستان، قرقیزستان) و یک کشور اوراسیایی (یعنی فدراسیون روسیه) می‌باشد. بنابراین گستره مرزهای این سازمان از شرق اروپا(مرز روسیه)تا شرق آسیا(اقیانوس آرام)کشیده شده است. کشورهای عضو«سازمان همکاری شانگهای»، منطقه‌ای با ۳۷ میلیون کیلومتر مربع، سه پنجم منطقه اوراسیا را تشکیل می‌دهند و جمعیت آنها بیش از دو میلیارد و ۸۰۰ میلیون نفر را شامل می‌شود که این سازمان را به لحاظ جمعیتی به دومین سازمان بزرگ دنیا پس از سازمان ملل متحد تبدیل کرده است(ولی زاده،۱۳۸۷: ۱۲۱)(شکل۲).



شکل(۲) موقعیت اعضای سازمان همکاری شانگهای (ترسیم: نگارندگان)

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-09]

بعد سیاسی-امنیتی: «سازمان همکاری شانگهای»، پس از تشکیل به تدریج به یک سازمان منطقه‌ای قدرتمند تبدیل شده و در جهت تاثیرگذاری بر تحولات منطقه‌ای و حتی جهانی برآمده است. تحلیل‌گران معتقدند شکل‌گیری سازمان مذکور باعث شده است منابع محدود کشورهای عضو از مسائل امنیتی و مرزی به موضوعاتی چون حفظ ثبات سیاسی و ارتقای توسعه اقتصادی معطوف گردد. از جمله دستاوردهای«سازمان همکاری شانگهای»، ارائه سازوکاری برای گسترش اعتمادسازی میان اعضا و آغاز خلع سلاح است. به طوری که برخی از کارشناسان بومی این منطقه، دلایل سیاسی-امنیتی تشکیل آن را همکاری‌های جمعی میان کشورهای عضو و برطرف ساختن دغدغه‌های مرزی می‌دانند اما در مقابل، برخی تحلیل‌گران انگیزه‌های این سازمان را مقابله با توسعه ناتو در بعد امنیتی و جلوگیری از فعالیت‌ها و نفوذ دنیای غرب در این منطقه می‌دانند(یزدانی و تویسرکانی،۱۳۸۶: ۶۴). تاکید بر محورهای مشترک نظامی و سیاسی منطبق با نیازها و ضروریات منطقه موجب می‌شود تا هزینه‌های ناشی از تقابل با تهدیدات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای کاهش یابد. ضمن آنکه حضور دو قدرت منطقه‌ای(چین و روسیه) موجب دلگرمی کشورهای کوچکتر نسبت به عملکرد سازمان شده است(انوری،۱۳۸۶: ۸۸).کشورهای عضو ۱۰/۵ درصد ارتش جهان را تشکیل می‌دهند و ۴ میلیون نفر نیروی نظامی در اختیار دارند. با توجه به احتمال عضویت هند به عضویت دائم شورای امنیت، تعداد اعضای عضو یا ناظر این سازمان که حق وتو دارند به سه کشور افزایش خواهد یافت(ولی زاده،۱۳۸۷: ۱۲۱). از سوی دیگر، «سازمان همکاری شانگهای»، قدرت های بین‌المللی یعنی چین و روسیه را در نتیجه پیوستگی سرزمینی‌شان به کشورهای آسیای مرکزی تحت پوشش قرار می‌دهد. به این دلیل، نسبت به دیگرنهادهای مهم موجود با اهداف کشورهای منطقه آسیای مرکزی در جهت تعدیل نفوذ همه جانبه روسیه و چین انطباق بیشتری دارد. چرا که چارچوب‌های دیگر مانند گوام به دلیل عدم عضویت قدرت‌های اصلی منطقه، یا حضور صرفاً یکی از دو قدرت اصلی، با چالش‌های امنیتی روسیه و چین مواجه‌اند و در مقایسه با «سازمان همکاری شانگهای» در تامین نیازهای توسعه‌ای ناتوان هستند(طالبی فر و جعفری پاسکیبایی،۱۳۸۷: ۵۴).

بعد اقتصادی: بی تردید مهم‌ترین زمینه تقویت هر رویکرد اقتصادی، وجود بازار گسترده تولید و مصرف انرژی است. مسأله انرژی از عواملی است که می‌تواند موجب توسعه پایدار در منطقه شود. در بین کشورهای عضو و ناظر «سازمان همکاری شانگهای»، کشورهای ایران، روسیه، قزاقستان و ازبکستان تولیدکنندگان اصلی انرژی‌های فسیلی و کشورهای چین، هند، پاکستان، مغولستان، تاجیکستان و قرقیزستان بازار مصرف‌کنندگان انرژی را در بین اعضای سازمان

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-09]

تشکیل می دهند که در این میان چین و هند با توجه به اقتصاد رو به رشد خود تاثیرگذارترین نقش را در این بازار ایفا می‌کنند. چین با داشتن بالاترین میزان نرخ مصرف و نیز برخورداری از سریع ترین رشد اقتصادی در آسیا، نگرانی‌های جدی در خصوص تضمین جریان انرژی مورد نیاز خود دارد(شایان،۱۳۸۶: ۴۲۷). بنابراین با توجه به این که اعضای این سازمان ۴۰ درصد مبادلات اقتصادی دنیا را در اختیار دارند و همچنین بیشترین حجم ذخایر انرژی در جهان را دارا هستند(۵۰ درصد ذخایر گاز جهان در این منطقه واقع شده است)(ولی زاده،۱۳۸۷: ۱۲۱)؛ این کشورها در زمینه انرژی می‌توانند اتحادیه بزرگی را ایجاد کنند که می‌تواند جایگزین قدرتمندی برای اوپک باشد(زاهدی انارکی،۱۳۸۵: ۵۳). نکته مهم اینکه، منطقه آسیای‌مرکزی، در نظام جهانی در جایی واقع شده است که با سایر مناطق مهم انرژی جهان ارتباط نزدیک سرزمینی دارد و در نتیجه از اهمیت زیادی برخوردار است. در خصوص نفت چنانچه همه خطوط پیش بینی شده فعال گردند، بیش از ۳/۵ میلیون بشکه در روز از آن نفت خام عبور خواهد کرد. در خصوص گاز نیز چنانچه همه خطوط پیش بینی شده راه‌اندازی شوند، حداقل سه تریلیون فوت مکعب در سال از آن گاز طبیعی منتقل خواهد شد. خروج این مقدار انرژی از آسیای‌مرکزی جایگاه والایی به این منطقه خواهد داد و آسیای‌مرکزی را بزرگترین تأمین‌کننده انرژی جهان در قرن بیست و یکم خواهد کرد(طالبی فر و دیگران،۱۳۸۷: ۱۹). در سال‌های اخیر، رشد اقتصادی تمامی کشورهای عضو «سازمان همکاری شانگهای» بین ۶ تا ۸ درصد بوده است که به طور برجسته‌ای بالاتر از نرخ رشد اروپا است و براساس پیش بینی این رشد در سال‌های آینده نیز ادامه خواهد داشت(انوری و رحمانی موحد،۱۳۸۶: ۶۰).

بعد فرهنگی- اجتماعی: براساس منشور و اعلامیه سازمان، مهمترین اهداف سازمان در زمینه اجتماعی عبارتست از همکاری‌های آموزشی، ورزشی، بهداشت، گسترش توریسم و تبادلات فرهنگی. همکاری‌های فرهنگی نیز در چارچوب «سازمان همکاری شانگهای» انجام گرفته است. به عنوان نمونه وزیران فرهنگ کشورهای عضو در سال ۲۰۰۲ در پکن با یکدیگر ملاقات کرده و بیانیه مشترکی برای همکاری مداوم به امضا رساندند. همچنین نمایشگاه و فستیوال هنری «سازمان همکاری شانگهای» در سال ۲۰۰۵ در آستانه برگزار شد. علاوه براین، سومین نشست وزرای فرهنگ در سال ۲۰۰۶ در تاشکند ازبکستان انجام شد(شریفی رضوی، ۱۳۸۹ :۱۱۱). سرانجام اینکه، برخی قابلیت‌های فرهنگی می تواند در این سازمان محقق شود مانند: تشکیل شورای تمدن‌های ارواسیایی متشکل از شخصیت‌ها و اندیشمندان اجتماعی و فرهنگی در قالب سازمان، تقویت بحث گفتگوی تمدنها با توجه به حضور نمایندگان چهار دین بزرگ دنیا، تقویت

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-09]

همکاری‌های دانشگاهی، آموزشی و فرهنگی و اشتغال جوانان و نیز برقراری همکاری‌های علمی همچون ایجاد قطب‌های علمی و مطالعاتی(انوری و رحمانی موحد،۱۳۸۶: ۱۰۶).

درکل، چهار تحلیل مختلف درباره سازمان وجود دارد:۱- این سازمان ساختاری برای همکاری منطقه‌ای و مبارزه با منابع تهدیدات منطقه‌ای از جمله تروریسم و افراط‌گرایی است؛ ۲-نشانه ای از تنش‌زدایی و عادی‌سازی روابط بین روسیه و چین است؛ ۳-ساختاری برای ایجاد توازن میان روسیه و چین است؛ ۴-سازمانی برای موازنه علیه ایالات متحده است(مرادی،۱۳۸۷: ۱۳۲).

یافته های تحقیق

بازتابهای جهانی‌شدن سیاسی برسازمان همکاری شانگهای: مشکل اساسی در مطالعه چگونگی بازتاب‌های جهانی‌شدن بر «سازمان همکاری شانگهای» به عنوان یک مجموعه، به آمار و ارقام باز می‌گردد، زیرا آمارهایی که بیانگر تاثیرپذیری کمی و کیفی این سازمان – به عنوان یک سازمان منطقه ای– از فرایند جهانی‌شدن باشد، وجود ندارد. از این رو، ناگزیر تاثیرات جهانی‌شدن سیاسی بر کشورهای عضو این سازمان مورد بررسی و سنجش قرار گرفته است. در این راستا، استفاده از آمارها و رتبه‌بندی‌های موسساتی همچون a.t.kearney و Kof در سالهای ۱۹۸۲ تا ۲۰۱۰ضروری بود. این آمارها ازیکسو، شاخص های مربوط به ابعاد گوناگون جهانی شدن را به تفکیک هرکشورنشان می‌دهند و ازدیگرسو، رتبه کشورها را برحسب ابعاد جهانی شدن. در واقع، نگارندگان با استفاده از این آمارها به مقایسه رتبه و شاخص جهانی‌شدن کشورهای عضو، پیش و پس از تشکیل «سازمان همکاری شانگهای» پرداخته‌اند. شاخص های«جهانی‌شدن سیاسی» در این تحقیق عبارتند از: انعقاد قراردادها و به تبع آن حضور در معاهدات چندجانبه، ابعاد نظامی امنیتی، مسأله تروریسم و حضور در سازمان‌های بین‌المللی. پیش از تحلیل بازتاب‌های جهانی‌شدن سیاسی بر «سازمان همکاری شانگهای»، نخست جداول تهیه شده ارائه شده اند. جداول ۱ تا ۵ شاخص و رتبه کشورهای عضو«سازمان همکاری شانگهای» را از نظر جهانی‌شدن سیاسی، پیش و پس از تشکیل سازمان همکاری شانگهای نشان می‌دهند.

جدول(۱) مقایسه کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای از نظرشاخص جهانی شدن سیاسی پیش از تشکیل سازمان

کشور/ سال	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
چین	۰.۵۱۷	۰.۵۳۹	۰.۵۵۰	۰.۵۵۲	۰.۵۵۲	۰.۵۷۱	۰.۵۹۸	۰.۵۷۲	۰.۶۳۰
روسیه	۰.۶۰۸	۰.۷۲۴	۰.۷۰۳	۰.۸۱۲	۰.۹۱۴	۰.۸۲۴	۰.۸۳۳	۰.۸۶۵	۰.۸۲۸
قزاقستان	۰.۰۵۴	۰.۱۰۶	۰.۱۵۸	۰.۱۷۸	۰.۱۸۸	۰.۱۹۰	۰.۱۹۰	۰.۲۰۳	۰.۱۷۹
ازبکستان	۰.۰۴۵	۰.۰۹۰	۰.۱۳۳	۰.۱۳۸	۰.۱۴۵	۰.۱۵۶	۰.۱۶۳	۰.۱۶۰	۰.۱۶۱
قرقیزستان	۰.۰۴۵	۰.۰۷۹	۰.۱۰۹	۰.۱۱۳	۰.۱۵۱	۰.۱۵۵	۰.۱۶۹	۰.۲۰۰	۰.۲۰۴
تاجیکستان	۰.۰۲۷	۰.۰۵۲	۰.۰۷۶	۰.۰۹۰	۰.۰۹۷	۰.۱۰۴	۰.۱۱۵	۰.۱۲۲	۰.۱۱۵

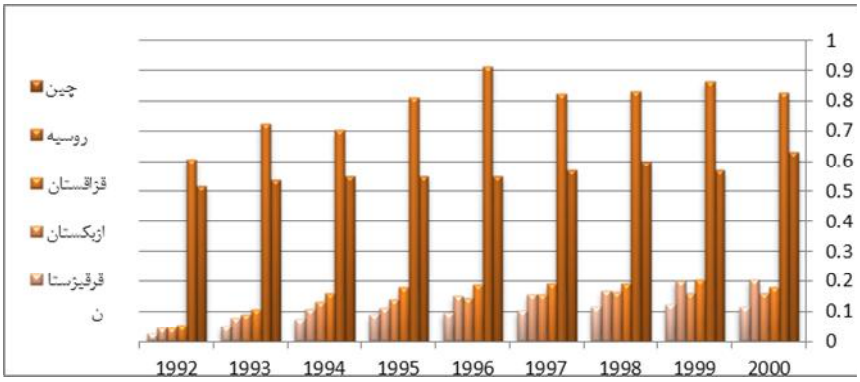
استخراج شده از شاخص های a.t.kearney ؛ تهیه و ترسیم: از نگارندگان

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-09]

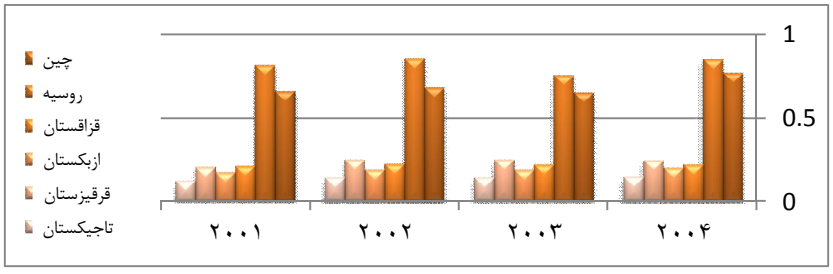
جدول(۲) مقایسه کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای از نظرشاخص جهانی شدن سیاسی پس از تشکیل سازمان

کشور/ سال	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴
چین	۶۶۲.۰	۶۸۶.۰	۶۵۴.۰	۷۵۵.۰
روسیه	۰.۸۲۱	۰.۸۵۸	۰.۷۵۷	۰.۸۵۲
قزاقستان	۰.۲۱۲	۰.۲۲۳	۰.۲۲۱	۰.۲۱۸
ازبکستان	۰.۱۷۵	۰.۱۸۷	۰.۱۸۷	۰.۲۰۱
قرقیزستان	۰.۲۰۵	۰.۲۴۹	۰.۲۴۹	۰.۲۴۷
تاجیکستان	۰.۱۲۴	۰.۱۴۲	۰.۱۴۲	۰.۱۴۷

(استخراج شده از شاخص های a.t.kearney)؛ تهیه و ترسیم: از نگارندگان



شکل(۳) نمودار مقایسه کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای از نظر شاخص جهانی شدن سیاسی پیش از تشکیل سازمان (استخراج شده از شاخص های a.t.kearney ؛ تهیه و ترسیم: از نگارندگان)



شکل(۴)مقایسه کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای از نظر شاخص جهانی شدن سیاسی پس از تشکیل سازمان (استخراج شده از شاخص های a.t.kearney ؛تهیه و ترسیم: از نگارندگان)

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-09]

شکل(۵)مقایسه کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای از نظر رتبه جهانی شدن سیاسی پیش از تشکیل سازمان

کشور/ سال	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
چین	۱۸	۲۴	۲۱	۲۵	۲۳	۲۱	۱۸	۲۳	۱۵
روسیه	۱۲	۸	۶	۵	۵	۴	۳	۴	۴
قزاقستان	۱۷۰	۱۵۲	۱۲۲	۱۱۹	۱۱۹	۱۱۰	۱۱۳	۱۰۸	۱۰۲
ازبکستان	۱۷۳	۱۶۳	۱۳۴	۱۴۲	۱۴۲	۱۳۰	۱۲۷	۱۳۴	۱۲۹
قرقیزستان	۱۷۲	۱۶۸	۱۵۶	۱۵۹	۱۵۹	۱۳۳	۱۲۳	۱۰۹	۱۰۹
تاجیکستان	۱۷۸	۱۷۷	۱۷۵	۱۷۳	۱۷۳	۱۷۰	۱۶۴	۱۶۱	۱۶۵

استخراج شده از شاخص های a.t.kearney ؛ تهیه و ترسیم: از نگارندگان

جدول(۴) مقایسه کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای از نظر رتبه جهانی شدن سیاسی پس از تشکیل سازمان

کشور/ سال	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴
چین	۱۳	۱۳	۱۲	۴
روسیه	۳	۳	۳	۳
قزاقستان	۱۰۱	۹۳	۱۰۳	۱۱۰
ازبکستان	۱۲۲	۱۱۸	۱۲۱	۱۲۲
قرقیزستان	۱۰۸	۱۰۰	۸۸	۹۸
تاجیکستان	۱۵۹	۱۴۶	۱۵۱	۱۵۱

استخراج شده از شاخص های a.t.kearney ؛ تهیه و ترسیم: از نگارندگان

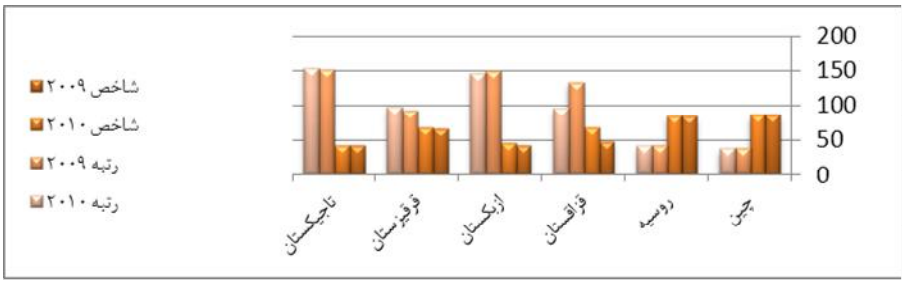
دقت در این جداول نشان می‌دهد به دلیل آنکه تشکیل«سازمان همکاری شانگهای» غالباً جنبه سیاسی-امنیتی داشته است، بنابراین، ایجاد این سازمان باعث شده کشورهای عضو این سازمان در شاخص و رتبه «جهانی شدن سیاسی» پیشرفت کنند. این پیشرفت بویژه در مورد چهارکشور آسیای مرکزی بسیار واضح تر ولی در باره دو کشور روسیه و چین با شدت کمتری همراه است. زیرا حضور چهار کشور منطقه آسیای‌مرکزی در یک سازمان مهم منطقه‌ای(که یکی از شاخص‌های جهانی‌شدن سیاسی است) منجر به بهبود آمار آنها شده است. روسیه به عنوان جانشین ابرقدرت شوروی، یکی از بهترین رتبه و شاخص‌ها را در سالهای پس از تشکیل سازمان داشته که بدلیل تاثیر فوق العاده این کشور بر جهان سیاست از جمله عضویت دائم در شورای‌امنیت سازمان‌ملل، دارا بودن فناوری‌های پیشرفته موشکی، نقش مهم در تحولات آسیای‌مرکزی و قفقاز، حضور در سازمان‌های منطقه‌ای و دیگر موارد بوده است.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-09]

جدول (۵) مقایسه کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای برحسب شاخص و رتبه از نظر جهانی شدن سیاسی(KOF) در سالهای ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰

نام کشور/ شاخص	شاخص ۲۰۰۹	شاخص ۲۰۱۰	رتبه ۲۰۰۹	رتبه ۲۰۱۰
چین	۳۶.۸۶	۶۰.۸۶	۳۸	۳۸
روسیه	۶۰.۸۴	۳۸.۸۵	۴۳	۴۲
قزاقستان	۹۲.۴۷	۷۸.۶۷	۱۳۳	۹۵
ازبکستان	۸۰.۴۲	۶۹.۴۵	۱۴۹	۱۴۶
قرقیزستان	۵۷.۶۶	۴۹.۶۷	۹۳	۹۷
تاجیکستان	۳۳.۴۲	۹۶.۴۲	۱۵۱	۱۵۴

استخراج شده از شاخص های KOF ؛ تهیه و ترسیم: از نگارندگان



شکل(۴) نمودارمقایسه کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای برحسب شاخص و رتبه جهانی شدن سیاسی(KOF) در سالهای ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ (استخراج شده از شاخص های KOF ؛ تهیه و ترسیم: از نگارندگان)

از مقایسه کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای با یکدیگر از نظر«ابعاد جهانی‌شدن سیاسی»در سالهای ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰، چنین نتیجه می‌شود که کشور چین و تاجیکستان بترتیب بیشترین و کمترین رتبه را از نظر جهانی‌شدن سیاسی داشته‌اند. حضور فعال چینی‌ها در سازمان‌های بین‌المللی و نیز مشارکت فعال در ماموریت‌های سازمان‌ملل و انعقاد معاهدات دو و چندجانبه موجب جهانی‌ترشدن هرچه بیشتر چین از نظر سیاسی شده است. روسیه به عنوان یک قدرت بزرگ ارواسیایی پس از چین در حال افزایش مشارکت سیاسی خود در عرصه های سیاست منطقه‌ای و جهانی است. اما در سال ۲۰۱۰ نسبت به سال ۲۰۰۹ جای قزاقستان و قرقیزستان در جهانی‌شدن سیاسی عوض شده است به طوری که قزاقستان در سال ۲۰۰۹ رتبه ۱۳۳ و در سال ۲۰۱۰ رتبه ۹۵ را داشته است. وجود ایستگاه فضایی بایکونور و چند پایگاه نظامی اهمیت سیاسی ویژه‌ای به قزاقستان بخشیده است. همچنین این کشور علاوه بر عضویت در سازمانهای منطقه‌ای، از سال ۲۰۱۰ ریاست سازمان همکاری و امنیت اروپا را برعهده گرفته است. کشور قرقیزستان در سال ۲۰۰۹ در رده ۹۳ و در سال ۲۰۱۰ در رده ۹۷ بوده است.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-09]

قرقیزستان کشوری است که سیاست‌های بینابینی اتخاذ می‌کند به نحوی که گاهی سیاست هم‌پیمانی با غرب و در مقاطعی سیاست نزدیکی به روسیه را پیش می‌گیرد. این کشور از لحاظ سیاسی دموکراتیک‌تر از سایر کشورهای آسیای‌مرکزی است و از لحاظ رعایت حقوق‌بشر وضعیت بهتری نسبت به ازبکستان و تاجیکستان دارد. کشور ازبکستان در هر دو سال رتبه پنجم را در جهانی‌شدن سیاسی دارد. به نظر می‌رسید ازبکستان حداقل وضعیت بهتری از قرقیزستان در«جهانی شدن سیاسی» داشته باشد؛ اما آمارهای ناکافی باعث شده این کشور حتی از قرقیزستان هم پایین‌تر بایستد. ازبکستان به خاطر ضعف قدرت دفاعی در معرض خطر جدی قرار دارد و بسیار آسیب‌پذیر است. در حالی که کشور تاجیکستان به دلیل مشکلات داخلی نتوانسته است به اندازه کافی در صحنه‌های سیاسی منطقه‌ای و جهانی، حضوری فعال داشته باشد. ضمناً تعداد نیروی نظامی این کشور بسیار کم و دارای منازعات مرزی هم می‌باشد که این عوامل رتبه نازل جهانی‌شدن سیاسی این کشور را رقم زده است.

از«کارکردهای سیاسی جهانی‌شدن»، انعقاد قراردادها و به تبع آن حضور در معاهدات چندجانبه است. در این زمینه، امضای قراردادها اغلب در زمان گروه شانگهای پنج و شکل‌گیری اولیه سازمان بوده است که از جمله می‌توان به توافقنامه همکاری بین چین و روسیه در آوریل ۱۹۹۶ در شانگهای؛ و موافقتنامه مرزی بین چین و قزاقستان در ژوئیه ۱۹۹۸ و بین چین و تاجیکستان در ژوئیه ۲۰۰۰ اشاره کرد.

از دیگر «کارکردهای سیاسی جهانی شدن»، می‌توان به «تروریسم» اشاره نمود. بدین ترتیب که از یکسو، مقابله با تروریسم در دستور کار سازمان همکاری شانگهای قرار دارد و از دیگر سو، موضوع تروریسم از جهانی‌شدن نیز تاثیر می‌پذیرد. در این رابطه، «سازمان همکاری شانگهای» یک ساختار ضدتروریستی منطقه‌ای ایجاد کرده است. به عنوان مثال، با توجه به منشور سازمان همکاری شانگهای درباره مبارزه با تروریسم، تجزیه‌طلبی و افراطی گرایی ایجاد کمیته اجرایی مرکز ضدتروریستی منطقه‌ای[1] در سپتامبر ۲۰۰۳ به امضای اعضا رسید. از نظر اعضای این سازمان، «تروریسم»، «جدایی‌طلبی» و«افراط‌گرایی» سه عنصر شیطانی هستند (Laumulin ,2006, 9).

نیز از مباحث مهم درجهانی‌شدن سیاسی، تعاملات با سازمان های بین‌المللی و منطقه‌ای فعال در منطقه است. از جمله سازمان‌های جهانی می‌توان به سازمان تجارت جهانی و سازمان ملل متحد اشاره کرد. همه اعضای سازمان همکاری شانگهای عضو سازمان ملل هستند. همچنین در دسامبر ۲۰۰۴ ، «سازمان همکاری شانگهای» به عنوان عضو ناظر مجمع عمومی

[1] Regional Anti-Terrorism Struture(RATS)

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-09]

سازمان ملل پذیرفته شد. قرقیزستان و چین از کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای هستند که عضو سازمان تجارت جهانی می‌باشند در حالی که گسترش بیشتر پیوندهای تجاری بین دولت‌های عضو «سازمان همکاری شانگهای» به یک سطح قابل توجه، زمانی رخ می‌دهد که دیگرکشورها نیز به سازمان تجارت جهانی بپیوندند. سازمان‌های منطقه‌ای که در حاشیه این سازمان قرار گرفته اند عبارتند از پیمان آتلانتیک شمالی(ناتو) و اتحادیه اروپا که هر دو «رویکرد به شرق» را در دستور کار قرار داده‌اند. همچنین سازمان‌های اکو و آسه آن در دو نقطه کانونی مهم در غرب و شرق آسیا و در مجاورت سازمان شانگهای قرار گرفته‌اند و حتی تعدادی اعضای مشترک با سازمان دارند. در چند سال اخیر، از نمایندگان برخی سازمان های طرف همکاری برای شرکت در نشست های عمومی کشورهای عضو سازمان دعوت به عمل آمده است(سازمان همکاری شانگهای، ۱۳۸۸: ۱۴۷). همچنین در اتحادیه آسیای‌مرکزی که به پیشنهاد قزاقستان شکل گرفت، کشورهای ازبکستان، تاجیکستان، قزاقستان و قرقیزستان حضور دارند.

یکی از زمینه‌های «جهانی شدن سیاسی»، ابعاد نظامی-امنیتی است. از آنجا که یکی از انواع جهانی‌شدن، جهانی سازی با محوریت ایالات متحده آمریکا است و صاحبنظران معتقدند حرف نخست در جهانی‌شدن را این کشور می‌زند و یکی از نتایج احتمالی جهانی‌شدن، شکل‌گیری نظام تک قطبی با برتری آمریکا می باشد؛ باید به رابطه قدرت آمریکا با «سازمان همکاری شانگهای»توجه کرد. با تکوین «سازمان همکاری شانگهای» فرصت خوبی برای کشورهای این منطقه پیش آمده تا با تشکیل بلوک شرق از شکل‌گیری نظامی مبتنی بر تسلط آمریکا بر جهان و تشکیل نظام تک قطبی جهانی جلوگیری نمایند و موجب توازن قدرت در معادلات جهانی را فراهم سازند. اهداف آمریکا از حضور در منطقه آسیای مرکزی را می‌توان به این شرح بیان داشت: دستیابی به منابع غنی نفت و گاز منطقه و اعمال کنترل بر آنها؛ دستیابی به پایگاهی مهم برای اعمال کنترل بر تحولات سیاسی منطقه؛ مقابله با گسترش نفوذ چین، روسیه و ایران؛ مقابله با اسلام‌گرایی و رواج اسلام سیاسی و حمایت از گسترش ثبات، دموکراسی و ادغام کشورهای آسیای مرکزی در نظام اقتصاد جهانی(طالبی فر و جعفری پاسکیبایی ،۱۳۸۷: ۳۴). بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله آمریکا به افغانستان کشورهای همسایه بویژه کشورهای آسیای مرکزی تحت تاثیر قرار گرفتند که نتیجه آن برخورد انفعالی کشورهای این منطقه نسبت به آمریکا و امضای توافقنامه‌های متعدد امنیتی بود (Karin,2004: 1). سیاست‌های آمریکا در این منطقه(سازمان همکاری شانگهای) را می‌توان موارد زیر دانست: توسعه روابط با آسیای مرکزی در حوزه‌های امنیتی و تجاری؛ حمایت از

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-09]

متنوع سازی مسیرهای حمل انرژی به جز روسیه و ایران؛ حمایت از احزاب سکولار و میانه رو اسلامی و تشویق نهادهای مدنی و اصلاح قوانین و مقررات (طالبی فر و پاسکیبایی،۱۳۸۷: ۳۵). آمریکایی‌ها راهبردهای زیر را نیز با هدف به چالش کشاندن سازمان در پیش گرفته‌اند: تلاش برای محدودسازی نقش سازمان به حل و فصل اختلافات کوچک مرزی؛ شبیه‌سازی سازمان به عنوان«ورشوی جدید» جهت مقابله با آن و زیر سوال بردن اصل مبارزه با تروریسم سازمان با هدف تلاش برای برتری دادن به راهبرد خود در مبارزه با تروریسم (انوری و رحمانی موحد،۱۳۸۶: ۴۶).

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد دو گروه در مورد انگیزه‌ها و اهداف پنهان سازمان به گمانه‌زنی پرداخته اند: قائلین به برتری رویکرد نظامی-امنیتی در سازمان و گروهی که ضمن تاکید بر رویکرد نظامی-امنیتی به ابعاد اقتصادی نیز توجه کرده‌اند. از نظر ابعاد نظامی-امنیتی، سازمان همکاری شانگهای با گردآوری چین و روسیه با رویکرد غالب ضدآمریکایی و چهار کشور آسیای مرکزی با توجه به روند واگرایی آنها از آمریکا در سال ۲۰۰۵ و بخصوص پذیرش عضو ناظر کشوری مانند ایران که بزرگ‌ترین قدرت مخالف آمریکا در جنوبغرب آسیا می‌باشد، درصدد بیرون گذاشتن آمریکا از منطقه و تشکیل یک بلوک نظامی است. برخی همکاری‌های ضدتروریستی که طی سال‌های نخستین تاسیس سازمان در دستور کار قرار گرفت، و همچنین انجام چندین مانور نظامی – امنیتی بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر از دیگر شواهد تقویت رویکرد امنیتی است. بنابراین، برخی معتقدند هدف نهایی این سازمان احیای ابرقدرتی شرق و مطرح شدن این سازمان به عنوان یک قدرت در نظام بین‌الملل است که از انگیزه کشورهای عضو آن به ویژه چین و روسیه نشات می‌گیرد(یزدانی و تویسرکانی،۱۳۸۶: ۶۶). از منظر ژئواستراتژیک، قدرت نظامی و توان اقتصادی کشورهای عضو این سازمان به عاملی تعیین‌کننده در تحولات منطقه‌ای تبدیل شده است که آشکارا در تقابل با جهان تک‌قطبی مدنظر آمریکا قرار خواهد داشت و پایان یک جانبه‌گرایی آمریکا را نوید خواهد داد(اخوان کاظمی،۱۳۸۵: ۹۳)؛ و از این سازمان با تعابیری چون ناتوی شرق یاد می‌کنند تا آن را در برابر ناتوی غرب قرار دهند و حتی برخی تحلیل‌گران آن را یک سازمان اوپک بالقوه به اضافه بمب معرفی می‌کنند. با این وجود، باید توجه داشت که در نظام بین‌الملل به طور معمول، ابرقدرت‌ها و قدرت‌های بزرگ با توجه به توانایی‌های زیاد و محدودیت‌های کم خواهان حفظ وضع موجود هستند اما قدرت‌های کوچک مایل به تغییر وضع موجود هستند و ناچارند به این وضع رضایت دهند. با این تفاسیر، از یکسو می‌توان به احتمال شکل‌گیری محوری ضد هژمون خوشبین بود و از سوی دیگر سیاست‌های ایالات متحده برای تضعیف قدرت‌های این منطقه را درک کرد(عزتی و یزدانی پناه،۱۳۸۷: ۷۰).

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-09]

برخلاف این رویکرد، گزینه های فراوانی وجود دارد که سازمان با تکیه بر تجارب گذشته قصد رویارویی با غرب به ویژه در بعد نظامی و امنیتی ندارد. زیرا دستیابی به امنیت تنها در چارچوب کار امنیتی و نظامی دست یافتنی نیست بلکه تامین شرایط ایمن اقتصادی هم در این رابطه از جایگاه مهمی برخوردار می‌باشد. این واقعیت‌ها موجب شده تا دست اندرکاران سازمان و بسیاری از ناظران مستقل برخلاف رویکرد افراطی که همکاری نظامی-امنیتی را اولویت اصلی سازمان همکاری شانگهای می‌داند، «رویکرد اقتصادی» را اولویت نخست سازمان بدانند. حتی این رویکرد از چنان زمینه ای برخوردار شد که برخی از اعضا پیشنهادهایی برای ایجاد یک بلوک اقتصادی مطرح ساختند(انوری و رحمانی موحد،۱۳۸۷: ۵۸).نتیجه این که، با ظهور «سازمان همکاری شانگهای»، جنبش‌های ضد جهانی‌سازی و راهکارهای مخالفت با جهان یک‌قطبی شدت گرفت. اگرچه به دلیل امکان ناپذیر بودن توقف روند جهانی‌شدن، تهاجم مخالفان این روند محدود شد ولی مفاهیم مالی و اقتصادی جهانی در حال تقویت هستند که به دلیل وابستگی متقابل سیاسی و نظامی در جهان بوده است(شریفی رضوی، ۱۳۸۹ :۱۲۶).

با توجه به شرایط موجود یکی از سه پیش بینی برای این سازمان متصور است:۱- تداوم وضعیت کنونی که مستلزم سطح محدودی از همکاری‌های اقتصادی و امنیتی با تمرکز بیشتر بر مسائل آسیای مرکزی و برخی موضع گیری‌های صوری در سطح بین الملل است۲-گرایش سازمان به تقویت همکاری‌های اقتصادی میان کشورهای عضو و حرکت در جهت تبدیل شدن به یک سازمان اقتصادی۳-حرکت در جهت تاکید بیشتر بر ابعاد سیاسی و امنیتی سازمان با هدف تقویت موضع اعضا در سطح بین المللی و ایفای نقش موثرتر در مسائل بین المللی و فرامنطقه‌ای(همان،۱۳۸۹ :۸۹). همچنین برای آینده سازمان دو سناریو متصور است: «سناریو بدبینانه» که معتقد است این مجموعه مانند بسیاری از سازمان‌های همکاری منطقه‌ای در میان کشورهای در حال توسعه امکان چندانی برای توسعه همه جانبه و نقش آفرینی سیاسی در سطح بین‌الملل نخواهد یافت. این دسته از تحلیلگران معتقدند که دو کشور چین و روسیه در آینده قابل پیش‌بینی قادر به ایفای نقشی مستقل و تعیین‌کننده نیستند. چون نقش آفرینی جدی در ارتباط با موضوعات مهم بین المللی تقابل با آمریکا تلقی می‌شود این دو کشور بنای مقابله با آمریکا را ندارند. بنابراین، این سازمان نمی‌تواند نقش مهمی در معادلات بین‌المللی ایفا نماید. اما «سناریو خوش‌بینانه» به ظرفیت‌ها و قابلیت‌های در حال ظهور چین و روسیه اشاره می‌کند و معتقد است این سازمان برای تحقق اهداف چین و احیای نسبی نقش روسیه طراحی شده است. رقابت میان قدرت‌های بزرگ و مخالفت با یک‌جانبه گرایی و تمایل قدرت‌های بزرگ

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-09]

برای ایفای نقش فعال‌تر در نظام بین‌الملل فرصت جدیدی برای بازیگران این سازمان به وجود خواهد آورد(واعظی،۱۳۸۵: ۲۴).

به عنوان یک پیشنهاد برای جمهوری اسلامی ایران باید گفت درصورت عضویت ایران در«سازمان همکاری شانگهای»، «مزایا» و «معایبی» برای این کشور وجود خواهدداشت. ایران یکی از کشورهایی است که مخالف تسلط بی چون و چرای آمریکا در خاورمیانه است. از مزایای عضویت می‌توان به استفاده از قدرت چین و روسیه برای مقابله با سیاست‌های سلطه جویانه و خصمانه ایالات متحده علیه استقلال ایران اشاره کرد. ولی عضویت در این سازمان شرایطی را بر ایران تحمیل می‌کند که با سیاست‌های جمهوری اسلامی که مبتنی بر ترویج اسلام‌گرایی می‌باشد متضاد است. چون در اساسنامه سازمان بر مقابله با گروههای اسلامگرای تجزیه طلب تاکید شده است(ولی زاده،۱۳۸۷: ۱۲۱).

نتیجه گیری

جهانی شدن بعنوان پدیده‌ای چندبعدی اثرات متعددی بر ابعاد و شاخص‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشورها دارد. از جمله ویژگی‌های «جهانی‌شدن سیاسی» تشدید روندهای منطقه‌گرایی و ایجاد سازمان‌های منطقه‌ای است. منطقه‌گرایی و سازمان های منطقه‌ای گاه به عنوان مانعی در برابر جهانی‌شدن و گاه نیز به عنوان هدایت‌گر فرایند جهانی‌شدن محسوب می‌شوند. «جهانی‌شدن سیاسی» از دو جهت موجب افزایش روند منطقه‌گرایی و سازمان‌های منطقه‌ای می‌شود. از یکسو، موجب افزایش آسیب پذیری کشورها می‌شود و این امر، باعث رشد همگرایی‌ها و ائتلاف‌های منطقه‌ای می‌گردد. از سوی دیگر، طی روند جهانی شدن دولت‌ها ترجیح می‌دهند به منظور کاهش انزوای خود و دستیابی به اهدافشان، درتشکل‌های منطقه‌ای حضور یابند. همچنین، سازمان‌های منطقه‌ای نیز از یکسو توانسته‌اند به تقویت فرایند جهانی‌شدن کمک کنند و از دیگرسو، موجب شده‌اند تا درون این فرایند جریان معکوسی ایجاد شود و جهانی‌شدن را تضعیف کند. «سازمان همکاری شانگهای» بعنوان یک «سازمان منطقه-ای» تحت تأثیر«جهانی شدن سیاسی» قرار دارد. دراین تحقیق برای بررسی اثرات «جهانی-شدن سیاسی» بر سازمان همکاری شانگهای از شاخص‌های متعددی استفاده شده است مانند حضور در سازمان‌های بین‌المللی، انعقاد قراردادها، مسأله تروریسم و ابعاد نظامی – امنیتی. نتیجه تحقیق نشان داده است به دلیل اینکه این سازمان بیشتر به لحاظ جنبه‌های نظامی و امنیتی شکل گرفته و اهداف سیاسی و ملاحظات نظامی– امنیتی بنیان‌گذاران سازمان بر سایر جنبه‌های آن غلبه داشته و نیز به دلیل اینکه کشورهای واقع در قلمرو «سازمان همکاری

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-09]

شانگهای» (به ویژه چهار کشور آسیای‌مرکزی که در گذشته بخشی از روسیه بوده اند)، بیش از هر چیز از سه موضوع «افراط‌گرایی مذهبی»، «تجزیه طلبی» و«تروریسم» رنج می‌برده‌اند؛ تشکیل این سازمان باعث شده کشورهای این سازمان در شاخص و رتبه جهانی‌شدن سیاسی پیشرفت کنند. این پیشرفت مخصوصاً درباره چهار کشور آسیای مرکزی بسیار روشن ولی در مورد دو کشور روسیه و چین با شدت کمتری همراه بوده است. در واقع، تشکیل «سازمان همکاری شانگهای» از«نظر جهانی‌شدن سیاسی» غالباً باعث «ارتقای» شاخص و رتبه این کشورها شده است. ازاین رو، می توان گفت این سازمان در راستای «جهانی شدن سیاسی» حرکت کرده است. ازآنجا که مهمترین عامل تداوم همکاری در میان اعضای این سازمان، «ملاحظات سیاسی و امنیتی» می‌باشد، بنابراین، پیش فرض این تحقیق نیز تأیید می‌شود. به عنوان یک پیشنهاد برای جمهوری اسلامی ایران باید گفت درصورت عضویت کامل ایران در«سازمان همکاری شانگهای»، این عضویت «مزایا» و «معایبی» به همراه خواهد داشت. از «مزایای» عضویت اینکه می‌توان به استفاده از قدرت چین و روسیه برای مقابله با سیاست‌های سلطه جویانه و خصمانه ایالات متحده علیه ایران اشاره کرد. ولی عضویت در این سازمان شرایطی را نیز برایران «تحمیل» می‌کند که با سیاست‌های جمهوری اسلامی که مبتنی بر ترویج اسلام‌گرایی می‌باشد، متضاد است.

منابع و ماخذ

۱.اخوان زنجانی، داریوش (۱۳۸۶)**جهانی شدن و سیاست خارجی**،تهران،دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

۲.اخوان کاظمی، مسعود (پاییز ۱۳۸۵)**سازمان همکاری شانگهای(اهمیت ژئواستراتژیک روزافزون در تقابل با یک جانبه گرایی)**،فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز،شماره ۵۵.

۳.آشناگر، داریوش (۱۳۸۸) **جهانی شدن و امپریالیسم**، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۶۸-۲۶۷، تهران، صص ۲۳-۴

۴.انوری،حمیدرضا، رحمانی موحد، مرتضی(۱۳۸۶) **سازمان همکاری شانگهای؛چشم اندازی به سوی جهان چندقطبی**، تهران ،دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

۵.بیلیس، جان، استیو، اسمیت(۱۳۸۳)**جهانی‌شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین**،ترجمه ابوالقاسم راه چمنی، تهران ، موسسه تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-09]

۶.پیشگاهی‌فرد، زهرا(۱۳۸۶) **نگرشی ژئوپلیتیکی بر پدیده جهانی شدن**،چاپ دوم، تهران،دوره عالی جنگ

۷.تیلور،پل(۱۳۸۶) **سازمان بین المللی در عصر جهانی شدن**، ترجمه جواد اصغری راد، تهران، مرکز ملی مطالعات جهانی شدن.

۸.جوان، جعفر، عبداللهی، عبدالله (۱۳۸۵) **نقدی بر گفتمان جهانی شدن و تبیین گفتمان بوم-جهان**؛ فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره دوم، ۷۴-۱۰۵

۹.جونز، مارتین، جونز، رابین، وودز، مایکل(۱۳۸۶) **مقدمه ای برجغرافیای سیاسی** ، ترجمه زهراپیشگاهی فرد و رسول اکبری، تهران ، دانشگاه تهران.

۱۰. حافظ نیا، محمدرضا، کاویانی راد، مراد(۱۳۸۳): **افق های جدید در جغرافیای سیاسی**، تهران، سمت.

۱۱. حیدری فر، محمدرئوف (۱۳۸۹) **بررسی انتقادی گفتمان جهان بدون مرز**، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره دوم، صص ۱۲۵-۱۵۲

۱۲. دادس، کلاوس(۱۳۸۴) **ژئوپولتیک در جهان متغیر**،ترجمه زهرا احمدی پور، تهران، بلاغ دانش.

۱۳. دعایی،حبیب الله، عالی، مرضیه (۱۳۸۴) **سازمان ها در بستر جهانی شدن**، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.

۱۴. زاهدی انارکی، مجتبی(پاییز ۱۳۸۵) **سازمان همکاری شانگهای از تئوری تا عمل**،فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز،شماره ۵۵.

۱۵. زمانی، هادی(۱۳۸۴) **ایران:فرصت ها و چالش های جهانی شدن**، تهران، انتشارات بال.

۱۶. **سازمان همکاری شانگهای**(۱۳۸۸) تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

۱۷. ستوده، محمد(۱۳۸۷) **جهانی شدن و همگرایی کشورهای اسلامی**؛ فصلنامه علوم سیاسی، سال یازدهم، شماره ۴۲، صص ۹۵-۱۱۶

۱۸. ساعی، احمد(بهار ۱۳۸۵) **جهانی شدن و نومنطقه گرایی؛تعامل یا تقابل**،مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۱.

۱۹. شایان، سیاوش(۱۳۸۶) **فرهنگ اصطلاحات جغرافیای سیاسی**، تهران، نشر مدرسه.

۲۰. شریفی رضوی، مجید(۱۳۸۹)، **بازتابهای جهانی شدن بر روی سازمان های منطقه ای مطالعه موردی:سازمان همکاری شانگهای، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی**، استاد راهنما، دکتر مرجان بدیعی ازنداهی، دانشگاه تهران.

۲۱. طالبی فر، عباس، جعفری پاسکیبایی، سیاوش(۱۳۸۷) **سازمان همکاری شانگهای متعادل کننده رقابت قدرت های بزرگ در اروآسیا و موضوع عضویت جمهوری اسلامی ایران**، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-09]

۲۲. عزتی، عزت الله و یزدان پناه، کیومرث (پاییز ۱۳۸۷) **تحلیلی بر ژئوپلتیک پیمان اقتصادی-امنیتی شانگهای با تاکید بر چشم انداز عضویت ایران در این سازمان**، فصلنامه ژئوپلتیک، شماره سوم.

۲۳. قاضی زاده، شهرام، طالبی فر، عباس (۱۳۸۸) **سازمان همکاری شانگهای؛همگرایی نوین منطقه ای**، تهران، انتشارات لقاءالنور.

۲۴. قوام، عبدالعلی(۱۳۸۲) **جهانی شدن و جهان سوم؛ روند جهانی شدن و موقعیت جوامع در حال توسعه در نظام بین الملل**، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

۲۵. کاظمی، علی اصغر(۱۳۸۰) **جهانی شدن فرهنگ و سیاست**، تهران: قومس.

۲۶. لیک، دیوید، مورگان، پاتریک (۱۳۸۱): **نظمهای منطقه ای؛ امنیت سازی در جهانی نوین**،ترجمه سید جلال دهقانی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۲۷. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱) **جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی**، تهران، سمت.

۲۸. محمودوند، غلامعلی(۱۳۸۵) **بررسی تاثیرات جهانی‌شدن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران**،پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران.

۲۹. مرادی، فتح الله(تابستان۱۳۸۷) **سازمان همکاری شانگهای؛ قدرتی توازن بخش**، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز،شماره ۶۲.

۳۰. مورای، وارویک ای(۱۳۸۸) **جغرافیای جهانی شدن**، ترجمه جعفر جوان و عبدالله عبداللهی، تهران، چاپار.

۳۱. موسوی، محمد علی (۱۳۸۸) **جهانی شدن و منطقه گرایی: انفکاک یا همگرایی**؛ فصلنامه بین المللی روابط خارجی، سال اول، شماره سوم، صص۱۱۹-۱۳۸

۳۲. میرحیدر، دره، حیدری فر، محمدرئوف (۱۳۸۵) **تحول مفهوم سرزمین در عصر جهانی شدن**؛ فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره دوم، صص ۱-۲۶

۳۳. هلد،دیوید، مک گرو، آنتونی(۱۳۸۲) **جهانی شدن و مخالفان آن**، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران، علمی فرهنگی.

۳۴. واعظی، محمود(بهار۱۳۸۵) **تحولات سازمان همکاری شانگهای و عضویت ایران**، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز،شماره۵۳ .

۳۵. وثوقی، سعید، کمائی زاده، یونس (۱۳۸۸) **جهانی شدن و فرسایش حاکمیت ملی**، اطلاعات سیاسی اقتصادی،شماره ۲۶۸، صص ۲۴- ۳۳

۳۶. ولی زاده، اکبر(۱۳۸۷) **سازمان شانگهای یا ناتوی شرقی**،روزنامه ایران،ویژه نامه نوروزی.

۳۷. یانگ، جیمیان و سایرین(۱۳۸۶) **ظهور منطقه گرایی آسیایی و تحول در نظام بین الملل**،ترجمه بدرالزمان شهبازی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-09]

۳۸. یزدانی،عنایت الله و تویسرکانی، مجتبی (بهار ۱۳۸۶) **سازمان همکاری شانگهای و روند چندجانبه گرایی در نظام بین الملل**،فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز،سال پانزدهم،دوره چهارم،شماره ۵۷.

Clark, I. (1999)**Globalization and international theory**. Oxford, Oxford university press

Karin, E. (2004) **the Shanghai Cooperation Organization and Its Implications 1for Central Asia.**

Kilminster, R. (1998) **the sociological revolution**. London, Routledge

Laumulin, M. (July 2006*),* **the Shanghai Cooperation Organization as "Geopolitical Bluff?**"A View from Astana.

Index of globalization. Retrived from www.A.T.Kearney.com

Index of globalization, Retrived ۲۰۱۰/۰۴/۲۱ from www.kof.com

Salzano, M. (2003). **Globalization of the Italian school of public finance**. University of salerno

Waters, M.(2001**). Globalization**. London, Routledge.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-09]

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-09]